

سراج التواریخ

قسمت دوم

بلخ

بقرار بیان صاحب جام جم که ازین بلده تا آخر بلدان همه از کتاب او نقل می شود شهر بلخ که بکثریه قدیم و سابقاً جزو مملکت خراسان بوده و جمعیت آن از افغان و اوزبک و تبخت^۱ است که بعضی قصبات و قری و برخی در چادر و خرگاه سکنی دارند و این شهر در قدیم از شهرهای مشرق زمین بوده حالا خراب است و آن در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۴۰) چهل دقیقه و در طول مشرقی (۶۷) شصت و هفت درجه و (۲۳) بیست و سه دقیقه واقعست.

میمنه

که بعضی آنرا جزو مملکت غرستان و برخی از جوزجان دانسته اند و جوزجان ولایتیست که جانب شرقی بلخ واقع و پاتخت آن شبرغان است که در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۳۵) سی و پنج دقیقه و در طول مشرقی (۶۶) شصت و شش درجه و (۲۱) بیست و یک دقیقه اتفاق افتاده و آنرا اشبورقان نیز گویند و قصبه دیگر آن اندخود است که در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۵۰) پنجاه دقیقه و در طول مشرقی (۶۶) شصت و شش درجه واقع است و ازین قصبه تا بلخ (۶۶) شصت و شش میل مسافتست بهر حال بلده میمنه بقرار نوشته از وسمیث در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۳۰) سی دقیقه و در طول مشرقی (۶۵) شصت و پنج درجه و (۱۸) هجده دقیقه و بقرار نقشه بلاک در عرض شمالی (۳۵) سی و پنج درجه و (۴۷) چهل و هفت دقیقه و در طول مشرقی (۶۰) شصت درجه و (۳۲) دقیقه واقعست.

طخارستان حال معروف به قطغن

که بعضی آنرا قرغن و برخی قدغن نیز نوشته اند و این ولایت منقسم به دو قسمت علیا و سفلی است و علیای آن جانب شرقی بلخ و غربی نهر جیحون واقع و از آنجا تا بلخ سی فرسنگ مسافتست و سفلی آن در شرق علیا و ایضاً در غربی جیحون واقعست و پاتخت حکومتش طالقانست که در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۴۲) چهل و دو دقیقه و در طول مشرق (۶۹) شصت و نه درجه و (۳۸) سی و هشت دقیقه واقعست و دیگر بلده آن اندرابست که در عرض شمالی (۳۵) سی و پنج درجه و (۴۱) چهل و یک دقیقه و در طول مشرقی (۶۹) شصت و نه درجه و (۳۰) سی دقیقه اتفاق افتاده است و دیگر قصبه آن سمنگان که معربش سمنجان بوده و آن در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۵۲) پنجاه و دو دقیقه و در طول مشرقی (۷۰) درجه و (۶) شش دقیقه واقعست

^۱ یعنی تبخت

و طخارستان سفلی وسیعتر از علیاست و ولایت طخارستان را اکنون در اطلس ها کندوز و بزبان اهل مملکت قندوز می نویسند. یحتمل که به کهندژ یعنی کهنه قلعه موسوم بوده منقلب به اسم حالیه شده است و آن در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۴۵) چهل و پنج دقیقه و در طول مشرقی (۶۹) شصت و نه درجه و (۱۰) ده دقیقه واقع است. دیگر بلدهٔ تخارستان خلم یعنی تاشقرغانست که و آن در مابین بلخ و قندوز در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۳۹) سی و نه دقیقه و در طول مشرقی (۶۸) شصت و هشت درجه و (۸) هشت دقیقه واقعست.

بدخشان که اسم پاتخت آن جوزجان بوده و حال به فیض آباد نامزد است

و این ولایت در عرض شمالی (۳۶) سی و شش درجه و (۲۸) بیست و هشت دقیقه و در طول مشرقی (۷۱) هفتاد و یک درجه و (۲۲) بیست و دو دقیقه واقع است و سابق جزو ولایات تاتار مطلق العنان بوده.

جلال آباد

این بلده جانب شمال پشاور طرف شرقی کابل در عرض شمالی (۳۴) سی و چهار درجه و (۸) هشت دقیقه و در طول مشرقی (۶۷) درجه تخمیناً واقع است.

فراه

در عرض شمالی (۳۴) سی و چهار درجه و (۵۰) پنجاه دقیقه و در طول مشرقی (۶۲) شصت و دو درجه واقع است.

کشمیر که از ولایات متصرفهٔ پادشاهان سابقهٔ افغانستان بوده است

این ولایت کوهستان و از ولایات پاکیزهٔ دنیاست چنانچه بهشت هندوستانش می خوانند و آن در عرض شمالی (۳۴) سی و چهار درجه و (۳۰) سی دقیقه و در طول مشرقی (۷۴) هفتاد و چهار درجه و (۴۵) چهل و پنج دقیقه واقعست و سابقاً در تصرف سلاطین مغولیه بوده و از هندوستان حساب می شده و بعد از آن اعلیحضرت احمد شاه درانی متصرف گردیده تا وفات سردار محمد عظیم خان مرحوم برادر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان مبرور که در سال (۱۳۳۸) هزار و دو صد و سی و هشت بوقوع پوسته در تحت تصرف پادشاهان و رؤسای افغانستان می بود. پس از وی بتصرف مهاراجه رنجیت سنگه در آمد و در اواخر سلطنت مهاراجه ولپیت سنگه بن مهاراجه رنجیت سنگه مذکور بتصرف مهاراجه کلاب سنگه قوم دوگره در آمده اکنون ریاست آن زیر نگرانی دولت بهیهٔ انگلیس تعلق بمهاراجه پرتاب سنگه نوادهٔ مهاراجه کلاب سنگه موصوف است و جمعیت این ولایت یک لک و هشتاد هزار نفس تخمیناً است.

لاهور

این ولایت در عرض شمالی (۳۱) سی و یک درجه و (۳۵) سی و پنج دقیقه و در طول مشرقی (۷۴) هفتاد و چهار درجه و (۱۰) ده دقیقه واقع است. و همچنین پشاور که در عرض شمالی (۳۴) سی و چهار درجه و (۸) هشت دقیقه و در طول مشرقی (۷۱) هفتاد و یک درجه و (۳۰) سی دقیقه واقعست. با ملتان که در عرض شمالی (۳۰) سی درجه و (۱۰) ده دقیقه و در طول شرقی (۷۱) هفتاد و یک درجه و (۱۲) دوازده دقیقه واقع است و شکارپور که در عرض شمالی (۲۷) بیست و هفت درجه و (۵۶) پنجاه و شش درجه و در طول مشرقی ((۶۸) شصت و هشت درجه و (۵۰) پنجاه دقیقه اتفاق افتاده است با دیر جات و سند و شالکوت و فوشنج همه در تصرف دولت بهیة برطانیه میباشد.

سیستان

که حد شمالی آن هرات و قسمتی از خراسان و حد مغربش بیابان یزد و طرف جنوبش بلوچستان و جانب مشرقی آن افغانستان و هم جزء این مملکت است و حد فاصلهٔ حالیه رود هیرمند است.

نقل از کتاب مرآة الوضیه

چون مملکت افغانستان و حدود سامبقة آنرا (کرنیل بوس فانديک) امریکائی اصح و اوضح از دیگران در کتاب (مرآة الوضیه) نوشته بود لا جرم در ذیل مذکورات مؤلفین دیگر افزوده نظر بصحت بیان او بتکرار حمل نموده سراپا از کتاب او نقل نمود.

ذکر بلاد فارس شرقی حال موسوم به افغانستان

این بلاد و ولایات محدود است از جانب شمال ببلخ که جزء مملکت تاتار مستقله است و از طرف شرق بمملکت چین و کشور هند و از سوی جنوب بیحر هند و از جانب غرب بگرمان و خراسان از مملکت ایران و این محدوده منقسم به چهار قسمت است و (۱) آن هرات است که جانب شمال غربی این مملکت می باشد دیگر (۲) کابلست که در وسط و شمال واقعست دیگر (۳) سیستان است که در غرب اتفاق افتاده است دیگر (۴) بلوچستانست که جانب جنوب این مملکت است و محاحت سطحیهٔ این محدوده (۴۰۰۰۰۰) چهارلک میل مربع است و تا صد دهم میلادی تمام آن تابع خلفای بغداد بوده و در سال نهصد و نود و هفت میلادی اعلیحضرت سلطان محمود بر تخت سلطنت نشسته ممالک خراسان و ترکستان را که در تحت حکم دولت سامانیه بودند کشیده بر وسعت این مملکت بیفزود و همچنین حصهٔ بزرگی را از هند تصرف گردیده باین مملکت ضم نمود و پس از انقراض دولت او در صد دوازدهم میلادی دولت سلجوقیه استیلا یافته غزنین و توابع آن را متصرف گشت و پس از آن دولت خوارزمیه از تغلب و تاراج چنگیز خان منقرض گردیده بلاد این مملکت منقسم بچند قسمت شده بتصرف ملوک الطوائف در آمد و همهٔ ملوک چنگک بالآت جنگک زده یک بر دیگری غلبه می جست تا که اعلیحضرت

احمدشاه درانی بر اریکه جهانبانی متمکن شده ایجاد و انشای دولت و مملکت مستقلة افغانستان فرمود و اقسام چهارگانه مذکوره را بران افزود و پس از وی نیز بسبب اختلاف احفادش بغیر از هرات دیگر بلدی باقی برای اولادش نماند.

هرات

این ولایت از بلاد فارس شرقی و جانب شمال غربی آن و بعضی ازان متصل بصحرای خوارزم است و جانب جنوب این صحرا سلسله جبال از طرف غرب ممتد است و این سلسله از شرق شهر هرات بحیثی پهن افتاده که عرض آن مقدار (۲۰۰) دو صد میل و طولش (۳۰۰) سه صد میل است و این جبال از جانب شرق پیوسته اند بجبال و کوهستان نواحی کابل و مشتمل اند بر چشمه سارها و جویها و در همواریها و وادیهای این جبال گندم و جو و غیره زراعت می شود و از نهر مرغاب و نهر تجن بسوی شمال مایل بغرب است و رفته یا در بحر خزر و نهر جیحون میریزد یا در ریگستان صحرا ها فرو می رود و هوای این شهر ها جید است و از جهت آنکه معتدل ارتفاع آن به پنجهزار قدم از سطح بحر می رسد در زمستان سرما و در تابستان گرما شدت می کند و شهر های مشهوره قدیمه این ولایت که اکثر خراب اند چون شهرستان و مرو شاه جهان و مرورود و بادغیس و غیرها که ذکر همه آنها بطول می انجامد میباشند و اما شهر هرات به بقه نیکوئی واقع است و اطراف آن را کوهها احاطه کرده است و طول اراضی و کشت زار قری و دیهائیکه درین احاطه واقعند (۳۰۰) سه صد میل و عرضش (۱۵) پانزده میل مسافت است که بآبهای نهر آبیاری می شود.

مرو شاه جهان

این شهر بر نهر مرغاب واقع بوده و اگر چه مقام مأمون خلیفه در وقت اقامه اش بخراسان می بوده است الا آن خراب و ساقط از اعتبار است و گویند یزدجرد درین شهر بقتل رسیده است.

سیستان

جانب غربی آن بیابان گرمان و طرف شمالش هرات و خراسان و بسوی مشرقی آن افغانستان و جهت جنوبش بلوچستان واقعست و در جنوب غربی آن بیابان وسیعیست که حصه ازان در بین بلوچستان و کرمان واقع است و آنرا کوهستان می گویند و سیستان اکثر ریگستان و جانب غرب آن دریاچه زره که محیطش (۱۵۰) یکصد و پنجاه میل می باشد واقعست و چند نهر از نواحی افغانستان که بزرگتر آنها نهر هیرمند است در آن می ریزند و آب آن بلور است و در وسط آن جزیره کوچکی و دران جزیره قلعه خرابه است و مساحت سطحیه سیستان (۲۵۰۰۰) بیست و پنجهزار میل و دارالحکومتش بلده جلال آباد که در کنار رود زره واقعست بوده و اعلیحضرت امیر تیمور آنرا خراب و قتل عام کرده است.

بلدان و ولایات مسکونه طوایف افغان که معروف بافغانستانند

و این مملکت محدوده است از جانب جنوب به بلوچستان و از طرف شرق بنهر هند و از جهت غرب بسیستان و هرات و از سوی شمال ایضاً بهرات و هندوکش که سلسله اش فاصل است درین افغانستان و بلخ و بدخشان و طخارستان و مساحت این مملکت (۱۵۰۰۰۰) یک لک و پنجاه هزار میل مربع و جمعیت آن چهل لک نفس است که عبارت از چهار ملیان باشد.

بلدان مملکت افغانستان

یکی قندهار است که در عرض شمالی (۳۲) سی و دو درجه و (۲۰) بیست دقیقه و در طول شرقی (۶۶) شصت و شش درجه و (۳۰) دقیقه واقع است و این شهر در وقت سلطنت اعلیحضرت احمد شاه پاتخت افغانستان بوده پس از وی اعلیحضرت تیمورشاه پسرش کابل را پاتخت قرار داد و بازارهای این شهر که عرض هر یک پنجاه ذرع است در وسط شهر باهم در ساحتیکه پنجاه ذرعست ملتقی می شوند و دیگر شهر کابل است که در عرض (۳۴) سی و چهار درجه و (۱۰) ده دقیقه و در طول شرقی (۶۹) شصت و نه درجه و (۱۵) پانزده دقیقه واقع و عمارتش از سبب زلزله اکثر از چوب و جمعیت نفوسش شصت هزار نفر است دیگر پشاور است که اعلیحضرت شاه شجاع آنرا در اثنای سال هزار و هشتصد و ده میلادی مقر سلطنت قرار داد و این شهر در زمین هموار غیر مستویه واقع و محیط عمارات شهرش پنج میل و عدد نفوس آن صد هزار است و در عرض شمالی (۳۴) سی و چهار درجه و (۶) شش دقیقه و در طول شرقی (۷۱) هفتاد و یک درجه و (۱۳) سیزده دقیقه اتفاق افتاده است و از آنجا تا کابل دوصد و ده میل مسافتست دیگر جلال آباد است و آن جانب غربی پشاور و بر کنار جنوبی نهر کابل واقعست دیگر غزنین است و آن در عرض شمالی (۳۳) سی و سه درجه و (۱۰) ده دقیقه و در طول شرقی (۶۸) شصت و هشت درجه و (۵۷) پنجاه و هفت دقیقه بر کنار نهریکه چهار یا پنج آسیاب آب دارد واقعست و از آنجا تا کابل هشتاد میل مسافتست دیگر فراه است و آن بمسافت یازده مرحله جانب هرات بکنار فراه رود واقع و جمعیتش (۴۰۰۰) چهار هزار نفر است.

بلوچستان

این ولایت محدود است از جانب جنوب به بحر هند و از طرف مشرق بسند و از سوی شمال بافغانستان و از جهت مغرب بکرمان و لارستان و از کنار دریای هند مقدار ششصد میل متعلق بدینولایت است و عرض تمام ولایت بلوچستان (۳۵۰) سه صد و پنجاه میل و مساحت سطحیه آن (۱۴۶۰۰۰) یک لک و چهل و شش هزار میل مربع است و این ولایت منقسم بچند قسمت است بعضی از آنها کوهستان و جانب شمال غربی این ولایت است و جانب جنوب آن مکران و در بین ایندو حصه بلوچستان واقعست و تمام این ولایت در زیر حکومت سرکردگان قبایل مختلفه اند چنانچه باهم اتفاق ندارند و بزرگتر از همه رؤسا خان قلاتست و طول بیابان کوهستان (۳۰۰) سه صد میل و عرضش (۸۰) هشتاد میل است و مردم سکنه این ولایت فارسی و هنود و تاتار و

افغان و کرد است و بلغات مختلفه مشابه بهندی و فارسی تکلم می کنند و اکثر مسلمانند و عدد جمعیت همه طوایف مسکونه این ولایت (۲۰۰۰۰۰۰) بیست لک است.

ترکستان جنوبی متعلق بافغانستان

و آن بدخشان و طخارستانست که جانب جنوب نهر جیحون واقعد دیگر بلخ است که ذکرش از دیگر کتب گذشته از جهت مطابقت با ذکر کرنیل یوس فاندیک نقل نشد

هوای مملکت

هوای این مملکت باتفاق همه مؤلفین کتب مذکوره از سبب اختلاف در بلندی و پستی امکنه مختلفه است چنانچه جانب شمال و مغربش از شدت سرما در زمستان بفریزنگ یعنی یخ بندی می رسد و اغلب درجه مقیاس هوا در زمستان به بیست رسیده گاهی بر سیل ندرت بدوازده درجه نیز می رسد که از اعتبار ساقطست و حرارت سمت مشرقی و جنوبی آن در تابستان (۱۰۵) یکصد و پنج درجه نگذشته برودتش از (۵۰) پنجاه تا (۳۵) سی و پنج درجه رسیده فرودتر نشده و همچنین گرمای سمت شمالی و مغربی در تابستان اغلب از (۶۰) شصت تا (۷۰) هفتاد درجه رسیده فراتر نمی گردد مگر نادراً در بعضی از سنوات تا به (۹۹) نود و نه درجه می رسد لیکن قابل اعتماد نیست بلکه از واقعات غریبه این مملکت شمرده در هر زمان که وقوع یابد در تضاعیف سوانح آنزمان انشاء الله تعالی مرقوم شده می آید و همچنین مسافت بلدان مملکت افغانستان بتفاوت و اختلاف در کتب تواریخ مسطور است چنانچه ذکر هر یک بطریق اختصار و اجمال مرقوم گردیده همه از کتب مؤلفه متقدمین است که بتحقیق ذکر کرده اند و تحقیقات و تدقیقاتی که اعلیحضرت سراج المله و الدین در باب جمیع امور مذکوره فرموده اند با حدود معینه و وسعت حالیه آن و نقشه تعیین حدود علیحده چهاب و ضمیمه اخیر این کتاب می شود تا بر مطالعه کنندگان وجه صحیح و مطابق واقع با نوشته آنان معلوم و مفهوم گردد.

ادامه دارد